

آسیب شناسی آموزش های مهارتی بر مبنای الگوی سه شاخگی: مطالعه موردی استان کردستان*

علی اکبر امین بیدختی^۱، محمود نجفی^۲ و فرهاد شریعتی^۳

(دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۸/۲۲)، (پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۲/۹)

DOI: 10.22047/ijee. 2019.155890.1590

چکیده: تحقیق حاضر با هدف شناسایی آسیب های موجود در سازمان آموزش فنی و حرفه ای (شامل سه بعد فرایند، ساختار و محیط) انجام شده است. رویکرد پژوهش حاضر از نظر روش، کیفی بود و سازمان مورد مطالعه آموزش های فنی و حرفه ای استان کردستان بود و لذا، مشارکت کنندگان در پژوهش طیف متنوعی از مدیران و کارشناسان بودند. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. مصاحبه ها با توجه به سطح اشباع نظری تا ۱۸ نفر انجام شد. بر اساس یافته ها، سازمان آموزش فنی و حرفه ای استان کردستان در هر سه بعد فرایندی، ساختاری و محیطی دچار آسیب است. بعضی از راهبردهای مهم این پژوهش عبارت از: توجه به پتانسیل های منطقه ای در فرایند نیازسنجی آموزشی، برنامه ریزی برای ارتقای مهارت های کلیدی اقتصاد دانش بنیان همانند خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی، برنامه ریزی برای آموزش مهارت های نرم همانند کار تیمی و اخلاق کار به کارآموزان و پیاده سازی مدیریت یکپارچه آموزش های مهارتی است.

واژگان کلیدی: آموزش های فنی و حرفه ای، آموزش های مهارتی، رویکرد کیفی، مدل سه شاخگی.

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری، رشته مدیریت آموزشی دانشگاه سمنان بوده و با حمایت مالی سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران انجام شده است.

۱- استاد گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. a.aminbeidokhti@semnan.ac.ir

۲- دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. m.najafi@semnan.ac.ir

۳- دانشجوی دوره دکتری رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. (نویسنده مسئول). farhad.shariati@gmail.com

۱. مقدمه

در طول دویست سال اخیر، اقتصاددانان نئوکلاسیک فقط به دو عامل کار و سرمایه برای تولید توجه می‌کردند، اما امروزه، دانش و اطلاعات جایگزین سرمایه شده است (Sheykh Zeynaddin et al., 2014) و به‌عنوان یک عامل راهبردی در رقابت‌های بین‌المللی و کسب ثروت مد نظر قرار می‌گیرد (OECD, 2000). پورتر^۱ در تحلیل میزان رقابت‌پذیری اقتصادی، کشورها را به سه طبقه تقسیم کرده که شامل کشورهای مبتنی بر منابع، کشورهای مبتنی بر سرمایه و کشورهای مبتنی بر اقتصاد دانش و نوآوری هستند. از دیدگاه پورتر اقتصاد مبتنی بر منابع کمترین قدرت رقابت‌پذیری را نسبت به اقتصاد مبتنی بر سرمایه و مبتنی بر دانش و نوآوری دارد و در مقابل، اقتصاد مبتنی بر دانش و نوآوری بیشترین قدرت رقابت‌پذیری را دارد (Sum, 2009).

در قرن بیست و یکم رقابت بر اقتصاد مبتنی بر دانش متمرکز است (Asongu & Tchamyou, 2016). اصطلاح «دانش قدرت است ۲» (ویژگی جوامع دانش‌مدار) جایگزین «وقت طلاست ۳» (ویژگی جوامع سرمایه‌داری) شده است (Achim, 2015). در اقتصاد دانش‌محور نه تنها بر افزایش یافته‌های آموزش، بلکه بر توسعه مهارت‌های مورد نیاز قرن بیست و یکم تکیه می‌شود که این مهارت‌ها شامل تفکر کارآفرینانه، توسعه رهبری، توانایی کار کردن با افراد در زمینه‌های متنوع و قابلیت هماهنگی با تغییرات سریع محیطی است (Bridges, 2008). همچنین مؤلفه کلیدی اقتصاد مبتنی بر دانش توجه بیشتر به توانایی‌های فکری نسبت به عوامل فیزیکی و منابع طبیعی است (Walter et al., 2004). استفاده اثربخش از دانش و اطلاعات مهم‌ترین عامل برای رقابت در سطح بین‌المللی و همچنین تولید ثروت و بهبود رفاه اجتماعی است (Bajzikova et al., 2014). برای ماندن در رقابت اقتصاد جهانی قرن بیست و یکم، بسیار مهم است که در آموزش با کیفیت بالا و تولید دانش سرمایه‌گذاری شود تا هر یک از بخش‌های کشور کارآتر شوند (Radwan & Pellegrini, 2010). سرمایه‌گذاری در آموزش زیربنای توسعه اقتصاد مبتنی بر دانش است (Halme et al., 2014). رقابت جهانی در اقتصاد دیجیتالی به کیفیت و ابتکار منابع انسانی بستگی دارد که به‌عنوان مهم‌ترین عامل موجب تفاوت میان کشورهای جهان می‌شود (Dumciuviene, 2015). همچنین آموزش به‌منظور ایجاد تغییرات ساختاری و نوآورانه حیاتی است (Šipilova, 2015).

با بررسی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و نقشه جامع علمی کشور نیز مشخص می‌شود که حرکت در جهت اقتصاد مبتنی بر دانش جزو راهبردهای کلان کشور محسوب می‌شود (Sheykh Zeynaddin et al., 2014). آموزش و فناوری دو عنصر اساسی برای دستیابی به نیروی کار ماهر است (Dahil et al., 2015). همچنین قدرت رقابت‌پذیری یک کشور به نیروی کار با مهارت بالا و توانایی پرورش نوآوری از طریق کارآفرینی

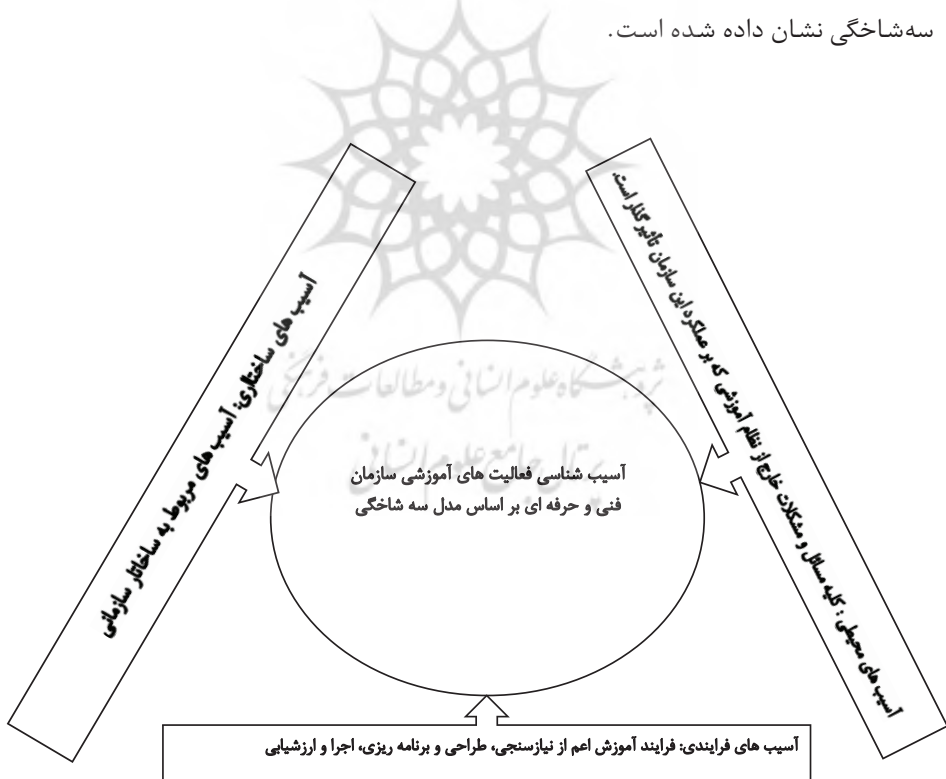
بستگی دارد (Yayilgan et al., 2015).

در این میان، نظام آموزش فنی و حرفه‌ای می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم دولت‌ها برای کاهش فقر و کاهش بیکاری و ایجاد مهارت در جوانان و همچنین ایجاد پیوستگی اجتماعی به‌کار گرفته شود (King & Palmer, 2010). در واقع، آموزش‌های مهارتی و فنی و حرفه‌ای یکی از اجزای جدانشدنی بسته‌های اقتصادی همه دولت‌ها در مسیر توسعه به‌شمار می‌روند که می‌توانند از طریق آموزش نیروی انسانی ماهر و تکنسین از یک سو و تقویت و رشد قابلیت‌های انسانی از سوی دیگر، زمینه ایجاد تحولی بزرگ در بخش‌های مختلف اقتصادی را فراهم کنند (Parand et al., 2014). اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بدین دلیل است که هیچ کشوری نمی‌تواند بدون داشتن نیروی کار مولد و ماهر به توسعه اقتصادی و اجتماعی دست یابد (OECD, 2010)؛ به بیان دیگر، شرایط پیچیده و در حال تغییری که در جریان است، این تصور را ناممکن کرده است که یادگیرنده قبل از ورود به بازار کار مهارت‌های کافی و مورد نیاز خود را فرا بگیرد (Pereira et al., 2016). بر این اساس، هدف عمده آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آن است که به خوداشتغالی افرادی که توانایی‌های ویژه‌ای را از طریق یادگیری تجربی کسب کرده‌اند، کمک کند (Okoye & Michael, 2015). چالش عمده آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برآورده کردن نیازهای مهارتی در حال تغییر افراد و دنیای کار است که مطابق با اصول یادگیری مادام‌العمر است (Hrmo et al., 2015). با این بینش، بسیاری از کشورها اهتمام خود را برای افزایش کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای قرار داده‌اند و کوشش‌هایی که کشورهای چینی، کانادا در سال ۱۹۸۹، آلمان در سال ۱۹۹۶، ترکیه در سال ۱۹۸۶ و ایران در سال‌های اخیر به‌عمل آورده‌اند، ناظر بر این حقیقت است. با این حال، مطالعه‌ای که در مرکز اروپایی آموزش فنی و حرفه‌ای انجام شده، حاکی از اختلاف معنادار بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و دنیای واقعی کار است (Salehi & Tajari, 2012). در کشور ایران نیز مطالعات مهرعلیزاده و همکاران (Mehr Alizadeh et al., 2012)، عطاریا و همکاران (Attarnia et al., 2014)، سلیمی (Salimi, 2014)، عبداللهی (Abdollahi, 2015) و دیگران حاکی از نبود موفقیت کامل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، علی‌رغم کوشش‌های متعدد انجام شده، است. برای مثال، سلیمی (Salimi, 2014) به مناسب نبودن آموزش‌ها و ارتباط ضعیف آن با نیازهای بازار کار تأکید کرده است. عبداللهی (Abdollahi, 2015) نیز گزارش کرده است که در حال حاضر، کار اثربخشی به‌منظور برقراری ارتباط بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و بازار کار وجود ندارد. بنابراین، ضرورت آسیب‌شناسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌خوبی آشکار می‌شود.

به هر حال، اگرچه در برخی از پژوهش‌ها به آسیب‌شناسی سازه‌های پیرامون آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پرداخته شده است، واضح است که شواهد تجربی در این حوزه همچنان محدود است و پژوهش‌های بیشتری لازم است تا درک درست، عمیق و جامعی از آسیب‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌دست آید.

۲. مدل مفهومی پژوهش

به‌منظور آسیب‌شناسی در هر حوزه‌ای، به‌ویژه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، به سایر آسیب‌های موجود در خارج از فرایند آموزش نیز، که بر عملکرد آموزشی آن سازمان تأثیر می‌گذارد، باید توجه ویژه‌ای داشته باشیم تا با نگاهی جامع و بررسی موشکافانه بتوانیم علت آسیب‌ها را بشناسیم و درصد رفع آنها برآییم. مدل آسیب‌شناسی سه‌شاخگی از این منظر از کاربردی‌ترین مدل‌هاست، چرا که در این مدل فراتر از آسیب‌های فرایندی، آسیب‌های ساختاری و محیطی سازمان نیز بررسی می‌شود. بنابراین، بعد اول این پژوهش آسیب‌های فرایندی است که شامل آسیب‌های فرایند آموزش اعم از نیازسنجی آموزشی، طراحی و برنامه‌ریزی آموزشی، اجرای آموزش و ارزشیابی آموزشی است. بعد دوم مدل، آسیب‌های مربوط به ساختار سازمانی است (آسیب‌های ساختاری) و بعد سوم نیز آسیب‌های موجود در خارج از سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای است که بر عملکرد این سازمان تأثیر می‌گذارد (آسیب‌های محیطی). در شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش بر اساس مدل آسیب‌شناسی سه‌شاخگی نشان داده شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش بر اساس مدل آسیب‌شناسی سه‌شاخگی

براین اساس، پرسش‌های زیر برای بررسی و آزمون تدوین شدند:

- ۱) سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای در بعد فرایندی با چه آسیب‌هایی همراه است؟
- ۲) سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای در بعد ساختاری با چه آسیب‌هایی همراه است؟
- ۳) سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای در بعد محیطی با چه آسیب‌هایی همراه است؟

۳. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها کیفی بود. روش کیفی مشتمل بر دو مرحله بررسی اسناد و مصاحبه نیمه ساختاریافته^۱ است. جامعه پژوهش حاضر در بررسی اسناد شامل پایان‌نامه‌ها، کتب و مقالات موجود در زمینه آسیب‌شناسی آموزش‌های مهارتی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای بود. جامعه پژوهش برای مصاحبه مدیران، خبرگان، صاحب‌نظران و فعالان آموزش‌های مهارتی استان کردستان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۱۸ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. مصاحبه‌ها با توجه به سطح اشباع نظری^۲ انجام شد. برای مصاحبه از فرم مصاحبه نیمه ساختاریافته که چارچوب پرسش‌های آن بر اساس نتایج بررسی اسناد به‌دست آمده است، استفاده شد. در کلیه مراحل تحقیق برای حصول اطمینان از روایی، از روش روایی صوری، محتوایی و نظر متخصصان استفاده شده و از آنجا پرسش‌های مصاحبه از دل نتایج بررسی اسناد به‌دست آمده است و بنابراین، روایی محتوایی آن تأیید شد. با این حال، مجدداً بررسی و روایی صوری پرسش‌ها نیز تأیید شد. برای بررسی پایایی داده‌ها از روش‌های باز آزمون (شاخص ثبات^۳) استفاده شد که مقدار آن برای سه عنوان مصاحبه که به‌صورت تصادفی از بین ۱۸ عنوان مصاحبه انتخاب شده بودند، ۰/۷۰ به‌دست آمد.

۴. یافته‌های پژوهش

الف. آسیب‌های سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای در بعد فرایندی
بر اساس نتایج مصاحبه با افراد نمونه، ۱۸ گزاره مهم به‌عنوان آسیب‌های فرایندی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شناسایی شدند که این گزاره‌ها در چهار طبقه موانع مربوط به نیازسنجی آموزشی، موانع مربوط به برنامه‌ریزی و طراحی دوره‌های آموزشی، موانع مربوط به اجرای آموزش و موانع مربوط به ارزشیابی آموزشی طبقه‌بندی شدند (جدول ۱).

جدول ۱: آسیب‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بعد فرایندی

مقوله‌ها	آسیب‌ها
موانع مربوط به نیازسنجی آموزشی	نبود توجه کافی به پتانسیل‌ها و توانایی‌های توسعه‌ای بومی و منطقه‌ای در ایجاد دوره‌های آموزشی
	تأکید بر کمی‌گرایی در ارائه آموزش‌ها
	بی‌توجهی به پیشرفت‌های فناوری روز در طراحی دوره‌های آموزشی
	توجه نشدن به مهارت‌های مورد نیاز کارفرمایان در ارائه آموزش‌ها
موانع مربوط به برنامه‌ریزی و طراحی دوره‌های آموزشی	پایین بودن سطوح مهارتی مربیان از نظر علمی و فنی
	پایین بودن سطوح مهارتی مربیان از نظر دانش پداگوژیک
	استفاده نکردن از رویکردهای نوین آموزشی
	به روز نبودن استانداردها و محتواهای آموزشی
	به روز نبودن امکانات و تجهیزات آموزشی
	نبود توجه کافی به پرورش مهارت‌های مورد نیاز اقتصاد دانش بنیان همانند خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی
	نبود توجه کافی به آموزش مهارت‌های نرم به کارآموزان
	نبود توجه کافی به آموزش چندمهارتی به کارآموزان
	به کار نبردن الگوهای نوین آموزشی با استفاده از زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات
موانع مربوط به اجرای آموزش	عدم پیاده‌سازی و استقرار نظام آموزش یادگیری مادام‌العمر در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
	به کار نبردن الگوهای نوین آموزشی با استفاده از زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات
موانع مربوط به ارزشیابی آموزشی	نبود توجه کافی به جایگاه پژوهش در ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
	نبود توجه کافی به ارزشیابی مبتنی بر شایستگی
	نبود توجه کافی به ارتقای میزان کارایی بیرونی نظام آموزش مهارتی
	نبود سازکارهای مشخص برای استفاده از نتایج پژوهش‌ها و ارزشیابی‌های آموزشی به منظور اصلاح و بهبود نظام آموزش فنی و حرفه‌ای

در ادامه برخی از نقل‌قول‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش درباره آسیب‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بعد فرایندی بیان شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص این‌گونه بیان کرده است:

«رویکرد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مبتنی بر عرضه‌محوری است، برای مثال، این سازمان با توجه به سطح امکانات و تجهیزات و همچنین رشته تخصصی مربیان خود به ارائه آموزش اقدام می‌کند و نه بر اساس نیاز بازار کار و مهارت‌های مورد نیاز کارفرمایان بخش صنایع».

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان اظهار کرده است که:

«در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای حیطه‌های گسترده‌ای برای فعالیت تعریف شده است و به نظر می‌رسد که سازمان با این گستره از فعالیت‌ها و با امکانات و تجهیزات حداقلی، نتواند به خوبی و با رعایت پارامترهای کیفی آموزش‌های مناسبی را ارائه دهد».

ب. آسیب‌های سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای در بعد ساختاری

بر اساس نتایج مصاحبه با افراد نمونه، ۳ گزاره مهم به‌عنوان موانع ساختاری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شناسایی شدند که این گزاره‌ها شامل نبود نظام یکپارچه مدیریت آموزش‌های مهارتی در کشور، وجود ساختار سازمانی متمرکز و ناکارآمد در بخش‌های آموزشی، اداری و مالی و نبود سازکارهای اجرایی مناسب برای بهره‌برداری حداکثری از توانایی‌های بالقوه بخش خصوصی است (جدول ۲).

جدول ۲: آسیب‌ها و موانع آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بعد ساختاری

مقوله‌ها	آسیب‌ها
آسیب‌های مربوط به بعد ساختاری	نبود نظام یکپارچه مدیریت آموزش‌های مهارتی در کشور
	وجود ساختار سازمانی متمرکز و ناکارآمد در بخش‌های آموزشی، اداری و مالی
	نبود سازکارهای اجرایی مناسب برای بهره‌برداری حداکثری از توانایی‌های بالقوه بخش خصوصی در ارائه آموزش‌های مهارتی

در ادامه یک نمونه از نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش در خصوص آسیب‌های بعد ساختاری

بیان شده است:

«استخدام و به‌کارگیری مربی به‌عنوان یک پارامتر مهم و اثرگذار در فرایند آموزش، در حیطه تصمیم‌گیری استان‌ها نیست. همچنین این ساختار متمرکز سازمانی باعث شده است که در اکثر استان‌های کشور بدون توجه به نیازهای بومی و منطقه‌ای تعدادی از رشته‌ها با یک تیپ خاص از کارگاه‌ها با امکانات و تجهیزات یکسان تجهیز و راه‌اندازی شود که در حال حاضر، متقاضی چندانی برای آنها وجود ندارد».

پ. آسیب‌های سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای در بعد محیطی بر اساس نتایج مصاحبه با افراد نمونه، ۷ گزاره مهم به‌عنوان آسیب‌های محیطی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شناسایی شدند که این گزاره‌ها در دو طبقه موانع فرهنگی و موانع اقتصادی دسته‌بندی شدند (جدول ۳).

جدول ۳: آسیب‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بعد محیطی

مقوله‌ها	آسیب‌ها
موانع فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> - رایج شدن مدرک‌گرایی - بی‌اعتمادی کارفرمایان به اثربخشی آموزش‌های مهارتی - استقبال نکردن والدین از حضور فرزندانشان در رشته‌های فنی و حرفه‌ای - نگرش منفی کارآموزان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای - نگرش منفی افراد جامعه به رشته‌های فنی و حرفه‌ای
موانع اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> - وجود شرایط رکود اقتصادی در بخش‌های مختلف تولیدی، صنعتی و خدماتی - تحریم‌های بین‌المللی

در ادامه یک نمونه از نقل‌قول‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش درباره آسیب‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بعد محیطی بیان شده است:

«هسته اصلی فعالیت‌های آموزش فنی و حرفه‌ای رونق اقتصادی است و در صورتی که رونق اقتصادی در جامعه حاکم باشد، خروجی سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای می‌تواند آسان‌تر جذب بازار کار شود و به این ترتیب آموزش‌های ما هم اثربخش‌تر خواهد بود. اما در شرایط رکود اقتصادی میزان کارایی بیرونی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای نیز به‌طور چشمگیر کاهش می‌یابد».

۵. بحث و نتیجه‌گیری

ماهیت کار و مهارت‌های مورد نیاز در اقتصاد مبتنی بر دانش نسبت به اقتصاد مبتنی بر منابع و اقتصاد مبتنی بر کارایی متفاوت است؛ لذا، با توجه به اینکه حرکت در جهت پیاده‌سازی و استقرار اقتصاد مبتنی بر دانش جزو اولویت‌های اسناد بالادستی همانند سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی کشور است، بنابراین، این پژوهش با هدف آسیب‌شناسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس مدل سه‌شاخگی و با مدنظر قرار دادن الزامات اقتصاد مبتنی بر دانش صورت گرفته است.

همان‌طور که در مراحل مختلف پژوهش مشخص شد، آسیب‌های زیادی در کل فرایند آموزش‌های مهارتی وجود دارد. وجود این آسیب‌ها، علی‌رغم روند رو به رشد آموزش‌های مهارتی،

این مطلب را به کلیه متولیان آموزش گوشزد می‌کند که جدا از توجه به بحث‌های مهم نیازسنجی، طراحی و برنامه‌ریزی آموزشی و ارزشیابی آموزشی، بی‌توجهی یا کم‌اهمیت دادن به رشد و ارتقای مهارت‌های متناسب با اقتصاد دانش‌بنیان می‌تواند به کلیت فرایند آموزش‌های مهارتی آسیب‌های زیاد و جبران‌ناپذیر بزند. همان‌طور که یافته‌ها نشان داد، چهار مقوله نیازسنجی آموزشی، طراحی و برنامه‌ریزی آموزشی، اجرای آموزش و ارزشیابی آموزشی به‌عنوان مقوله‌های بعد فرایندی مدل آسیب‌شناسی آموزش‌های مهارتی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای هستند. در نتایج تحقیقات دیگر (Rabiee & Khademi, 2014; Abdollahi, 2015; Salami, 2014) نیز بر ضرورت بازنگری در شیوه‌ها و روش‌های اجرایی فرایندهای آموزشی تأکید شده است.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که آسیب‌های زیادی خارج از فرایند آموزش وجود دارند که اثربخشی فعالیت‌های آموزش مهارتی را مختل کرده‌اند. در این خصوص، دو بعد کلی ساختاری و محیطی مد نظر قرار گرفت. نتایج نشان داد که آموزش‌های مهارتی سازمان فنی و حرفه‌ای در بعد ساختاری دچار آسیب است. این بعد از سه مقوله نبود نظام یکپارچه مدیریت آموزش‌های مهارتی در کشور، وجود ساختار سازمانی متمرکز و ناکارآمد در بخش‌های آموزشی، اداری و مالی و نبود سازکارهای اجرایی مناسب برای بهره‌گیری حداکثری از توانایی‌های بالقوه بخش خصوصی تشکیل شده است. نتایج مربوط به مقوله نبود نظام یکپارچه مدیریت آموزش‌های مهارتی با نتایج تحقیقات صالحی (Salehi, 2014) و عطاریا و همکاران (Attarnia et al., 2014) همسواست. درخصوص مقوله ناکارآمدی ساختار سازمانی نیز نتیجه این پژوهش با نتایج تحقیقات ربیعی و خادمی (Rabiee & Khademi, 2014) همسواست. این مسئله به‌عنوان آسیبی مهم نیازمند تصمیم‌گیری جدی مسئولان عالی‌رتبه همانند هیئت دولت و مجلس شورای اسلامی و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور است.

نتایج درخصوص بعد محیطی حاکی از آن است که آموزش‌های مهارتی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای در این زمینه نیز دچار آسیب است. این بعد نیز از دو مقوله موانع فرهنگی و موانع اقتصادی تشکیل شده است. عبداللهی (Abdollahi, 2015) در تحقیق خود مسئله فرهنگ کار را به‌عنوان آسیب معرفی کرده است.

مشکلات فرهنگی شامل بی‌اعتمادی کارفرمایان به اثربخشی آموزش‌های مهارتی و همچنین دیدگاه منفی افراد جامعه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای موجب شده است که افراد علاقه‌مند و توانا کمتر جذب این آموزش‌ها شوند. همچنین درخصوص مقوله آسیب‌های اقتصادی یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که رابطه نظام آموزشی و به‌خصوص نظام آموزش مهارتی با نظام اقتصادی رابطه‌ای متقابل است؛ همچنان که نیروی انسانی کارآموده و ماهر می‌تواند زمینه‌ساز شکوفایی رشد و توسعه اقتصادی شود، نظام اقتصادی نیز با حاکم بودن شرایط رونق یا رکود می‌تواند نظام آموزش مهارتی را تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین، شرایط نامطلوب شاخص‌های اقتصادی مانند رکود و تورم بالا و همچنین

تحریم‌ها اثر نامطلوبی بر نظام آموزش مهارتی کشور می‌گذارد و به‌عنوان یک مقوله محیطی مؤثر بر نظام آموزش مهارتی در نظر گرفته می‌شود.

با توجه به آنچه بیان شد و با توجه به آسیب‌های شناسایی شده در هر بعد و مقوله‌های ذی‌ربط، پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:

فرایندی

- نیازسنجی آموزشی به صورت فرایندی دایمی، مستمر و پویا در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای برای ارتباط با قشرهای مختلف جامعه اعم از کارفرمایان بخش‌های مختلف، دانش‌آموختگان و دیگر افراد ذی‌نفع صورت پذیرد.
- تأکید بر پارامترهای کیفی در ارائه آموزش‌ها؛ بنا بر نتایج به‌دست آمده از مصاحبه‌ها، رویکرد اصلی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای مبتنی بر کمیت‌گرایی است و لذا، این آسیب نیازمند توجه جدی متولیان و مسئولان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای برای بازبینی راهبردهای اجرایی است.
- به‌کارگیری رویکردهای نوین یاددهی - یادگیری در فرایند ارائه آموزش‌ها.
- استفاده از زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات در ارائه آموزش‌ها و همچنین پیاده‌سازی و اجرای دوره‌های آموزشی جدید همانند موک^۱ در نظام آموزش مهارتی.
- برگزاری دوره‌های بازآموزی و ارتقای دانش و مهارت مربیان هم در بعد علمی و هم در بعد دانش‌پداگوژیک و روش‌های نوین تدریس در قالب همکاری با شرکت‌ها و کارخانه‌های تولیدی مطرح در سطح بین‌المللی و جهانی، برای مثال، در قالب همکاری‌های بین‌المللی با کشورهای موفق در این زمینه همانند آلمان، استرالیا و فنلاند.
- برنامه‌ریزی برای ارتقای مهارت‌های کلیدی و متناسب با نیازمندی‌های اقتصاد دانش‌بنیان همانند خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در میان دانش‌آموختگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.
- برنامه‌ریزی برای آموزش مهارت‌های نرم^۲ همانند کار تیمی^۳، اخلاق کار^۴، انعطاف‌پذیری^۵، مهارت‌های اجتماعی^۶ و همچنین آموزش‌های چندمهارتی^۷ به کارآموزان.
- ارتقای جایگاه پژوهش در آموزش‌های مهارتی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای.
- طراحی و اجرای سازکارهای مشخص برای استفاده از نتایج پژوهش‌ها و ارزشیابی‌های آموزشی در حیطه آموزش‌های مهارتی به منظور اصلاح و بهبود نظام آموزش فنی و حرفه‌ای.

1- Massive Open Online Course

2- Soft skill

3- Teamwork

4- Work ethic

5- flexibility

6- Social skills

7- Multi skills

ساختاری

- پیاده سازی و اجرای مدیریت یکپارچه آموزش های مهارتی کشور. سازمان آموزش فنی و حرفه ای، وزارت آموزش و پرورش و همچنین بیشتر ارگان ها و سازمان های دولتی همانند سازمان بهزیستی و اتحادیه های مختلف صنفی به صورت جزیره ای و ناهماهنگ دوره های آموزشی مهارتی برگزار می کنند که این امر موجب موازی کاری در ارائه آموزش ها و در نتیجه، اتلاف منابع انسانی، مالی و مادی می شود.
- برنامه ریزی برای اجرایی کردن نظام آموزش مهارتی نامتمرکز که قابلیت انعطاف پذیری و چابکی بالایی برای هماهنگی با پیشرفت های فناورانه داشته باشد.
- ایجاد و به کارگیری سازکارهای اجرایی مناسب برای استفاده حداکثری از پتانسیل های بالقوه بخش خصوصی در جهت تحقق اهداف نظام آموزش مهارتی کشور.

محیطی

- فرهنگ سازی درخصوص ارتقای نقش و جایگاه آموزش های مهارتی در فرایند رشد و توسعه؛ بنا بر نتایج به دست آمده از مصاحبه ها، بیشتر افراد جامعه اعم از والدین کارآموزان و از همه مهم تر کارفرمایان بخش های مختلف، دیدگاه مثبتی به آموزش های مهارتی و فنی حرفه ای ندارند و این به عنوان یک آسیب جدی محیطی می تواند کل اثربخشی نظام آموزشی را تحت تأثیر منفی خود قرار دهد.
- برنامه ریزی سیاستگذاران بخش کلان اقتصاد برای بهبود شاخص های رشد اقتصادی، کاهش نرخ تورم و غیره که این امر می تواند به افزایش کارایی بیرونی نظام آموزش مهارتی کشور کمک کند.

References

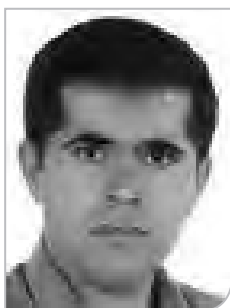
- Abdollahi, H. (2015). Evaluation of the experienced mechanisms of linked between technical and vocational training and the labor market in Iran. *Quarterly Journal of Research in Curriculum Planning*, (22), 167-152 [in Persian].
- Achim, M. (2015). The new economy-asking for new education approaches. Evidence for Romania and other post-communist European countries. *Procedia Economics and Finance*, 32(15), 1199—1208. Doi: 10.1016/S2212-5671(15)01498-7.
- Asongu, S. A., & Tchamyou, V. S. (2016). The impact of entrepreneurship on knowledge economy in Africa. *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, 8(1), 101-131.
- Attarnia, A., Khanifar, H., Rahmati, M., & Jandaghi, G. (2014). Study of condition of policy making in Iranian nonformal skills training system. *Organizational Culture Management*, 12(2), 345-374. Doi: 10.22059/jomc.2014.51187 [in Persian].
- Bajzikova, L., Sajgalikova, H., Wojcack, E., & Polakova, M. (2014). Dynamics of changes toward knowledge-based economy in Slovak SMEs. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 150, 637-647.

- Bridges, C. (2008). Entrepreneurship education and economic development: Preparing the workforce for the twenty-first century economy.
- Dahil, L., Karabulut, A., & Mutlu, I. (2015). Reasons and results of nonapplicability of education technology in vocational and technical schools in Turkey. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 176, 811-818.
- Dumciuviene, D. (2015). The impact of education policy to country economic development. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 191:2427–36. Retrieved from (<http://dx.doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.04.302>).
- Halme, K., Lindy, I., Piirainen, K. A., Salminen, V., & White, J. (Eds.). (2014). *Finland as a knowledge economy 2.0: Lessons Policies and Governance*. The World Bank.
- Hrmo, R., KriStofiaková, L., & Miština, J. (2015, September). Building a quality system of technical and vocational education in Slovakia towards a European labour market. *In Interactive Collaborative Learning (ICL), 2015 International Conference*, 237-243. IEEE.
- King, K., & Palmer, R. (2010). Planning for technical and vocational skills development. Paris: UNESCO, International Institute for Educational Planning.
- Mehr Alizadeh, Y., Wali Allah, I., & Shahi, S. (2012). Pathology of internal and external factors of Khuzestan province's technical and vocational system within the framework of goals and expectations of the comprehensive system of skills and technology training. *Journal of Research in Educational Systems*, 6 (17), 71-106 [in Persian].
- Okoye, K. R. E., & Michael, O. I. (2015). Enhancing technical and vocational education and training (TVET) in Nigeria for sustainable development: Competency-based training (CBT) Approach. *Journal of Education and Practice*, 6(29), 66-69.
- Organization for Economic Co-operation and Development (2010). *OECD Reviews of vocational education and training learning for Jobs*. Paris: OECD
- Parand, K., Pourandikht, N., Ranjbar, M., Kyaii, M., Roham, M., & Hajelo, M. (2014). Document of the development skills of the technical and professional training organization, Tehran: Organization of Technical and Vocational Training [in Persian].
- Pereira, E., Kyriazopoulou, M., & Weber, H. (2016). Inclusive vocational education and training (VET)-Policy and Practice. In *Implementing inclusive education: Issues in bridging the policy-practice gap* (pp. 89-107). Emerald Group Publishing Limited.
- Powell, W., & Snellman, K. (2004). The knowledge economy and the changing needs of the labour market. *Annual Review of Sociology*, 1-20. <https://doi.org/10.1146/annurev.soc.29.010202.100037>
- Rabiee, A., & Khademi Varnamkhasti, N. (2014). The obstacles and measures of entrepreneurship development in technical & vocational training organization (TVTO) A Case Study By TVTO's Tehran Provincial Office. *Quarterly Journal of Skill Training*, 2 (7), 27-54 [in Persian].
- Radwan, I., & Pellegrini, G. (2010). *Knowledge, Productivity and Innovation in Nigeria: Creating a New Economy*. The World Bank.
- Salehi, E. I. (2014) Pathology of Skills Management in Iran. *Quarterly Skills, Second Year*, 1(8) [in Persian].
- Salehi E. I., & Tajari, M. (2012). Obstacles of the entrepreneurship program at university (Case study of Mazandaran University), *Second Student Entrepreneurship Conference of the country*, https://www.civilica.com/Paper-ENTSTU02-ENTSTU02_078.html [in Persian].
- Salimi, J. (2014). Technical and vocational education, human resources and entrepreneurship: A Case study of technical and vocational education in Kurdistan Province. *Quarterly Journal of Skills, Second Year*, 1(8) [in Persian].
- Sheykh Zeynaddin, M., Keshmiri, M., Khakbaz, H., & Khod Bandeh, L. (2014). The Role of Science and technology corridors in knowledge-based economy development. *Quarterly Journal of Science and Technology Parks and Incubators*, (38), 2-13 [in Persian].

- Simplice, A., Asongu, V., & Tchamyou (2016). The impact of entrepreneurship on knowledge economy in Africa. *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, 8 (1)101-131.
- Šipilova, V. (2015). Education for structural change and innovativeness of the economy in Latvia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 174, 1270-1277.
- Sum, V. (2009). *The impact of training and its integration in the firm's business strategies on the firm's competitiveness*. Southern Illinois University at Carbondale.
- Walter, W.; Powell, W. W. and Snellman, K. (2004). The knowledge economy. *Annual Review of Sociology*, 30, 199-220.
- Yayilgan, S. Y., Arntzen, A. A., Stavseng, G. H., Ljubicic, M., Solvang, B., Meadow, R., & Dalipi, F. (2015). Knowledge, Technology and Innovation (KTI): Opportunities, Issues and Challenges of KTI transfer between Norway and the Balkans countries.



◀ **علی اکبر امین بیدختی:** دکترای خود را در رشته مدیریت آموزشی از دانشگاه ایالتی اکلاهما در آمریکا اخذ کرده‌اند. هم اکنون با درجه استادی در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه سمنان مشغول فعالیت می‌باشند. ایشان پژوهشگر نمونه دانشگاه سمنان در هفت سال (۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۹۰-۱۳۹۲-۱۳۹۴)، پژوهشگر برتر استان سمنان در سال ۱۳۹۴، کارآفرین برتر در جشنواره کارآفرینان برتر استان سمنان در سال ۱۳۹۴ بوده‌اند و بیش از ۳۰۰ مقاله علمی در نشریات بین‌المللی، ملی و کنفرانس و هفت کتاب تألیف و ترجمه کرده‌اند.



◀ **فرهاد شریعتی:** مدرک دکترای خود را در رشته مدیریت آموزشی از دانشگاه سمنان اخذ کرده‌اند. و هم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور می‌باشند. حوزه‌های مورد علاقه وی در امر پژوهش عبارتند از: برنامه ریزی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، رویکردهای نوین آموزشی و آموزش مجازی.